

ایپی
بہ نام
تاساکو

۱۱۰۰۳۱۸
۹۰۹۲۲

سرشناسه: چندی، فلامک، - ۱۳۵۱

عنوان و نام پدیدآور: جایی به نام تاماساکو / فلامک چندی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۸۵ ص.

شابک: 978-964-362-990-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

ردمبندی کنگره: ۱۳۸۹، ن ۸۴ج ۱۱ / PIRA۰۱۱

ردمبندی دیویی: ۶۲ / ۳۱۸

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۴۴۳۲۲

ردمبندی نشر چشمه: ادبیات - داستان فارسی - مجموعه داستان

جایی به نام تاماساکو

فلامک چندی

ویراستار: شهرناز احمدی

لیتوگراف: طلوع

چاپ: چندی

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰، تهران

۲۲۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به اجازه‌ی کتبی از ناشر است.

info@cheshmeh.ir

www.cheshmeh.ir

شابک: ۸ - ۹۹۰ - ۳۶۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۲ دورنگار: ۶۶۴۶۱۴۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷، تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

متولد بهمن ۱۳۵۱ در تهران هستم. سال‌های نوجوانی به سرک کشیدن و سعی برای یادگیری هنرهای تجسمی، مثل نقاشی، نزد استاد آیدین آغداشلو و عکاسی، در کانون سینماگران جوان، گذشت.

سال ۱۳۷۱ برای ادامه‌ی تحصیل وارد دانشکده‌ی هنر و معماری در رشته‌ی ادبیات نمایشی شدم و به بازی در تئاترهای دانشجویی و نوشتن چند نمایشنامه‌ی رادیویی، که در رادیو اجرا شد، پرداختم. همچنین مدتی را هم به روزنامه‌نگاری و نوشتن نقد درباره‌ی تئاتر در صفحه‌ی هنری روزنامه‌ی آفرینش گذراندم.

سال ۱۳۷۷ با بازی در مجموعه‌ی تلویزیونی ۱۷ به کارگردانی آقای مهران مدیری بازیگری در تلویزیون را آغاز کردم، و سال ۱۳۷۹ اولین فیلم سینمایی‌ام را به کارگردانی آقای رضا میرکریمی به نام *این جا چراغی روشن است* بازی کردم. و از همان سال‌ها به صورت مستمر و حرفه‌ای به بازیگری در تلویزیون، سینما و تئاتر پرداختم.

جایی به نام *تاماسکو* اولین مجموعه داستان من است که به چاپ می‌رسد، در ادامه‌ی چیزی که از نوجوانی دست از سرم برنداشته.

فهرست

- گوشواره‌هایی با نگین فیروزه ۷
- جای خوش قاب عکس‌ها روی دیوار ۲۳
- همه‌شان هستند، جومپا لاهیری، سام شپارد، رضا قاسمی و بقیه ۳۳
- مراقبت از خود در برابر چیزهای آسیب‌رسان ۴۱
- چیزی از قلم نیفتاده؟ ۵۱
- گره‌های شهر من هر روز زیاده‌تر می‌شوند ۶۱
- جایی به نام تاماساکو ۷۳